

ویژه نامه محتوایی دهم مبارک فجر

۲

- انقلاب اسلامی ایران، آغازگر عصر جدید؛
- انقلاب اسلامی ایران، مردمی ترین انقلاب؛
- انقلاب اسلامی ایران، بزرگ ترین انقلاب؛
- انقلاب اسلامی ایران و ماندگاری شعارهای آن؛
- انقلاب اسلامی ایران، پدیده‌ای زنده و با اراده؛
- انقلاب اسلامی ایران، انعطاف و نقدپذیر و آماده برای تصحیح خطاها؛
- انقلاب اسلامی ایران، تجدیدنظرناپذیر بودن آرمان‌ها، ارزش‌ها و شعارهای آن؛
- انقلاب اسلامی ایران، حساس به پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو؛
- انقلاب اسلامی ایران، حساس به مرزبندی با رقیبان و دشمنان؛
- انقلاب اسلامی ایران، نماد پر ابهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان؛
- انقلاب اسلامی ایران، انقلابی بدون پیشینه در عصر جدید؛

السلامة والرحمة



عنوان: ویژه‌نامه محتوایی دهه مبارک فجر (جلد دوم)

تهیه و تدوین: معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی

زمان: دی‌ماه ۱۴۰۲

فهرست مطالب

۳.....	مقدمه:
۴.....	بخش اول: انقلاب اسلامی ایران، آغازگر عصر جدید
۵.....	بخش دوم: انقلاب اسلامی ایران، مردمی ترین انقلاب
۶.....	بخش سوم: انقلاب اسلامی ایران، بزرگ ترین انقلاب
۶.....	(۱) ویژگیهای انقلاب
۷.....	(الف) انقلاب فرانسه
۷.....	(ب) انقلاب روسیه
۸.....	(ج) انقلاب چین
۹.....	(۲) وضعیت رژیم قبل از انقلاب
۱۰.....	بخش چهارم: انقلاب اسلامی ایران و ماندگاری آن
۱۱.....	(۱) اسلام
۱۲.....	(۲) مردم
۱۳.....	(۳) کارآمدی انقلاب
۱۳.....	(۴) رهبری نظام
۱۴.....	بخش پنجم: انقلاب اسلامی ایران، نقدپذیر و تجدیدنظرناپذیر
۱۵.....	(۱) انقلاب اسلامی آماده تصحیح خطاهای خویش است
۱۶.....	(۲) نقدپذیری
۱۷.....	بخش ششم: انقلاب اسلامی ایران، حساس به پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو
۱۷.....	(۱) حضرت امام خمینی (ره)
۱۸.....	(۲) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)
۱۹.....	بخش هفتم: انقلاب اسلامی ایران، حساس به مرزبندی با رقیبان و دشمنان
۱۹.....	(۱) مرزبندی یعنی اظهار اصول بنیادی در مقابل نفوذ دشمن

- ۲) نزدیک شدن مأمون به امام (علیه السلام) با اسم رمز ولایتعهدی ۲۰
- ۳) حکومت مأمون با نام حضرت سکه ضرب میکرد! ۲۰
- ۴) امام رضا (علیه السلام) تا مدتها به دعوت مأمون پاسخ نمیداد ۲۱
- ۵) حضرت در مرزبندی با دشمن صریح و قاطع بود ۲۲

مقدمه:

انقلاب اسلامی ایران با توجه به ماهیت و مبانی فکری خود، دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و متفاوتی نسبت به سایر انقلاب‌های به وقوع پیوسته در دنیا می‌باشد که به کرات در سخنرانی‌ها و بیانات حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بیان شده‌اند. نوشتار حاضر بر آن است تا با بررسی بیانیه گام دوم انقلاب که در سال ۱۳۹۷ و در چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی توسط مقام معظم رهبری صادر شد، به مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران بپردازد. در این چارچوب، دومین جلد ویژه‌نامه محتوایی دهه مبارک فجر در هفت بخش مجزا به مواردی نظیر انقلاب اسلامی ایران؛ آغازگر عصر جدید، انقلاب اسلامی ایران؛ مردمی‌ترین انقلاب، انقلاب اسلامی ایران؛ بزرگ‌ترین انقلاب، انقلاب اسلامی ایران و ماندگاری آن، انقلاب اسلامی ایران؛ نقدپذیر و تجدیدنظرناپذیر، انقلاب اسلامی ایران؛ حساس به پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو و انقلاب اسلامی ایران؛ حساس به مرزبندی با رقیبان و دشمنان خواهد پرداخت.



بخش اول:

انقلاب اسلامی ایران، آغازگر عصر جدید

انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در حالی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی) به پیروزی رسید که نظام بین‌الملل دارای یک ساختار دو قطبی با سردمداری بلوک‌های شرق و غرب بود. در یک سمت جامعه جهانی لیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری حضور داشت و در دیگر سو، کمونیسم. در این شرایط حکومت پهلوی دوم که در تعامل با هر دو قطب نظام بین‌الملل بوده و پشتیبانی هر دو را همراه خود داشت و ایران، جزیره‌ای کاملاً آرام و امن در خاورمیانه محسوب می‌شد و از این رو هرگز احتمال نمی‌رفت که چنین دولتی به آسانی و در مدت کوتاهی در مقابل جریان انقلاب به زانو درآید. علاوه بر آنکه حضور فعال انگلیس و آمریکا در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد، تصور هر گونه انقلاب را برای حاکم شدن جریانات ضد غربی با یأس مواجه می‌ساخت.

اما درست در همین شرایط، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و ارزش‌ها و هنجارهایی را در تعارض با نظام بین‌الملل و منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود مطرح کرد که چالش‌هایی را در عرصه بین‌الملل به همراه داشته است که عمده‌ترین آنها استقلال از قدرت‌های بزرگ، عدالت خواهی، حق تعیین سرنوشت، همبستگی و اتحاد مستضعفان، بیداری مسلمانان، حقانیت ملت‌های محروم، حق طلبی، مبارزه علیه وضعیت حاکم موجود در نظام بین‌الملل که مهم‌ترین شاخصه‌های آن شامل قدرت طلبی، غارتگری، زورگویی، انحصار طلبی، پایگاه خارجی، تجاوز، امپریالیسم، استعمار، جهالت و ... می‌باشد. (۱۸)

جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی تلاش کرد تا با تبدیل ارزش‌های فوق به هنجار در نظام بین‌الملل، افکار عمومی ملل محروم و مستضعف جهان سوم را تحت تأثیر قرار داده و لذا انقلابیون با اتخاذ سیاست صدور انقلاب، به گسترش و صدور الگوی انقلاب ایران در سراسر جهان مبادرت نموده و با توجه به ایدئولوژی جهان شمول این انقلاب، اهدافی همچون احیای هویت واحد اسلامی، مبارزه با ناسیونالیسم و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب را در راس برنامه‌های خود قرار دادند. از این رو انقلاب اسلامی ایران وضعیت جدیدی را ایجاد نمود که تهدیدی برای نظام جهانی و منافع ابر قدرت‌ها محسوب شده و تحولات عمیقی را در جامعه جهانی و نظام بین‌الملل به همراه داشت و از این روست که گفته می‌شود انقلاب اسلامی ایران، آغازگر عصر جدید می‌باشد. حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در این باره در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید:

«آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار

هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند؛ اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشیندن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجلِ محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود».

بخش دوم:

انقلاب اسلامی ایران، مردمی‌ترین انقلاب

یکی از ممیزات انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلاب‌های جهان، وجهی مردمی آن می‌باشد. در تمام صحنه‌های این انقلاب و در شکل‌گیری نظام سیاسی برخاسته از آن و همچنین در تداوم آن، مردم همواره نقش اول را بازی نموده‌اند. پیروزی و استقرار انقلاب در نقاط دیگر دنیا، مبتنی بر خلأ قدرت سیاسی است و در واقع، انسجام و یکپارچگی نیروهای مردمی، تاثیر چندانی در برتری انقلاب ندارد و صرفاً خلأ قدرت، زمینه‌ساز انقلاب می‌شود؛ حال آن‌که در انقلاب اسلامی ایران، کاملاً عکس این مسئله مصداق دارد و حضور پرشور و یکپارچه نیروهای مردمی، زمینه‌ساز پیروزی و استقرار و نهادینه شدن انقلاب اسلامی شد.

نکته دیگر این که انقلاب اسلامی ایران، با یک روند مسلحانه مستقر نشد. تجربه سیاسی در دیگر نقاط دنیا، مشحون از انقلاب‌ها و کودتاهای بدخیم یا مسلحانه است و در این بین، می‌توان به انقلاب‌هایی مانند انقلاب کوبا اشاره کرد که حکومت جدید، با به کارگیری اسلحه و قیام مسلحانه مستقر شد، اما در مورد انقلاب ایران مسئله به نحوه دیگری بود. بررسی تحقیقی و تبیین سیره سیاسی امام خمینی (ره) نیز، این موضوع را ثابت می‌کند که امام (ره)، به هیچ وجه، مسیر انقلاب را منطبق با مشی مسلحانه نمی‌دانست و از این رو، گروه‌های مبارز، نتوانستند اجازه مبارزه مسلحانه با رژیم پهلوی را از ایشان بگیرند. نکته جالب این است که امام (ره)، «آگاهی» را بدیل مناسبی برای توده‌های مردم، در مقابل مبارزه مسلحانه می‌دانست و با قیام مسلحانه مخالفت می‌کرد.

مؤلفه دیگری که می‌توان برای انقلاب اسلامی ایران برشمرد، فراگیر بودن آن است؛ به این معنا که موج انقلاب ایران، به کلان شهرها و مراکز محدود باقی نماند. از نظر مؤلفه رهبری نیز، انقلاب ایران با دیگر انقلاب‌های دنیا فرق دارد. به این معنا که طبقه حامی و پیرو رهبر انقلاب، بسیار گسترده‌تر از دیگر انقلاب‌های دنیاست.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در این باره در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرمایند:

«از میان همهی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همهی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوم می‌شود».

بخش سوم:

انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین انقلاب

انقلاب اسلامی ایران مهمترین و بزرگترین انقلابی است که در نیمه دوم قرن بیستم و در هنگامی که جهان بین دو ابرقدرت شرق و غرب تقسیم شده بود، با شعار " نه شرقی، نه غربی" در ۱۹ دیماه سال ۱۳۵۶ آغاز و در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. این انقلاب از آنجایی که هیچکدام از انقلاب‌های جهان مشخصات و عناصر یک انقلاب واقعی را که در برگیرنده تمام باورها و ارزش‌های آن جامعه و مشارکت تمام اقشار اجتماعی باشد، نداشته‌اند، از جنبه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با تمام انقلاب‌های به وقوع پیوسته قابل قیاس نیست. شهید مطهری در این زمینه می‌فرماید: "اگر قرار باشد نظیری برای انقلاب اسلامی ایران پیدا کنیم، شاید بتوانیم انقلاب صدر اسلام را مثال بزنیم." برای تأکید بر استثنایی بودن این انقلاب، همانقدر بدانیم که مناخیم بگین نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی اسرائیل می‌گوید: پیروزی انقلاب ایران برای اسرائیل به معنای یک زلزله بزرگ است. در ادامه برای درک بهتر بزرگی انقلاب اسلامی ایران، به مقایسه این انقلاب با سایر انقلاب‌های به وقوع پیوسته در دنیا در دو محور ویژگی‌های انقلاب و وضعیت رژیم قبل از انقلاب، پرداخته شده است.

(۱) ویژگی‌های انقلاب

عده‌ای از سیاستمداران و اندیشمندان انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب‌های روسیه و فرانسه مقایسه کردند و برخی دیگر با انقلاب‌های چین و هند تطبیق دادند. در صورتی که انقلاب ایران اساساً از نظر ماهیتی با تمام انقلاب‌ها متفاوت است.

الف) انقلاب فرانسه

انقلاب فرانسه در سال ۱۱۶۸ شمسی (۱۷۸۹ میلادی) با مشارکت گروه‌های خاصی از جامعه که دارای افکار ملی بودند، در دوران حکومت لویی شانزدهم (آخرین پادشاه سلسله پادشاهی بوربن‌ها که حدود ۲۰۰ سال بر فرانسه حکمرانی کردند)، بوجود آمد. اما چندی بعد، بی‌عدالتی‌های اجتماعی و عدم آزادی و ظلم بی‌نهایت کشیشان درباری کلیساها، پایه‌های حکومت را متزلزل کرد و موجب گشت انقلاب پس از چند سال اهداف و شعارهای نهضت را تغییر داده و در نظام بین‌المللی هم نتوانست تحولی ایجاد نماید.

ب) انقلاب روسیه

انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۲۹۶ شمسی (۱۹۱۷ میلادی) (در دوران حکومت نیکلای دوم آخرین پادشاه سلسله رمانوف‌ها که حدود ۳۰۰ سال بر روسیه حکومت کردند)، با مشارکت طبقه کارگر (پرولتاریا) و با همکاری عده‌ای روشنفکر به رهبری لنین که دارای ایدئولوژی مارکسیستی بودند، به پیروزی رسید. در آن مقطع رژیم روسیه از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی از یک طرف بعلت دیکتاتوری، بی‌عدالتی و ظلم کشیشان درباری و از طرف دیگر بعلت تأثیرات جنگ جهانی اول چنان سست و ضعیف گردیده بود که می‌توان گفت رژیمی از قبل شکست خورده بود و برای براندازی آن نیاز به ساز و کارهای زیادی نبود و با تظاهرات و اعتصاب کارگری در بعضی از شهرها و جنگ مسلحانه محدود پس از مدت کوتاهی سقوط کرد. این انقلاب با شعار مبارزه با استثمار و خفقان و امپریالیسم جهانی آغاز شد، اما در دوران استالین از اکثر اهداف و شعارهای خود دوری جست. نمونه بارز آن ایجاد اردوگاه سبیری برای تبعید آزادیخواهان و منتقدان دولت (خفقان و سرکوبی آزادیها) ضمیمه کردن کشورهای اوکراین، بلاروس، لیتوانی، لتونی و استونی و تشکیل اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی (خوی استعماری) و همچنین لشکرکشی به چکسلواکی سابق (جمهوری‌های چک و اسلواکی فعلی) مجارستان و افغانستان جهت سرکوب قیام‌های مردمی در دوران استالین و خروشچف و برژنف است. در مدت ۷۰ سال عمر این انقلاب خیلی از رژیم‌ها و جنبش‌های آزادی بخش تحت تأثیر ایدئولوژی مارکسیست، لنینست این انقلاب قرار گرفتند که جهان را به دو قطب شرق و غرب تبدیل کردند (نظام کمونیستی و نظام‌های سرمایه‌داری) و بالاخره پس از ۷۰ سال، ایدئولوژی مارکسیست شکست خورد و در سال ۱۹۹۰ میلادی، اتحاد جماهیر شوروی در دوران ریاست جمهوری میخائیل گورباچف فرو پاشید و به ۱۴ کشور مستقل مبدل گردید.

ج) انقلاب چین

انقلاب چین در سال ۱۹۴۹ با مشارکت عده‌ای روشنفکر به رهبری مائوتسه دونگ (متولد ۱۸۹۳ در گذشت ۱۹۷۶ میلادی) و طبقه کشاورز که دارای ایدئولوژی مارکسیستی بودند، با شکست دادن چیانگ کای شک رئیس‌جمهور وقت بنیان گذاشته شد. حکومت وقت چین (از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی از یک طرف بعثت فساد و دیکتاتوری نظام حاکم و از طرف دیگر به علت تأثیر از انقلاب روسیه و انقلاب هندوستان و مسایل پس از جنگ جهانی دوم، اساساً دارای پایه‌های متزلزلی بود و برای سقوط آن نیاز به قدرت زیادی نبود. همانطور که با آغاز یک راهپیمایی ۴۰۰ کیلومتری که توسط اقشار روستایی به رهبری مائو انجام شد، حکومت چین سقوط کرد. مائوتسه دونگ جامعه روستایی را به عنوان اصلی‌ترین نیروی انقلاب شناخت و رشد و توسعه روستاها را بعنوان شعار اصلی خود انتخاب نمود، ولی در سال ۱۹۷۸ میلادی یعنی ۲۸ سال بعد از پیروزی انقلاب، دنگ شیائوپینگ (رهبر وقت چین) ایدئولوژی مائو را تغییر داد و مالکیت خصوصی را به رسمیت شناخت و نظام سرمایه‌داری را در درون چین کمونیست پذیرفت.

با بررسی انقلاب‌های جهان می‌توان برخی ویژگی‌های آنها را به شرح ذیل بیان نمود:

- در این انقلاب‌ها طبقه روشنفکر نقش محوری داشته‌اند.
- رژیم‌های واپسگرا قبل از انقلاب از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی در وضعیت نامطلوب و وضعی بودند.
- ماهیت انقلاب آنها ضد دینی بود و دین را افیون توده‌ها می‌دانستند.
- علمای دینی و کشیشان در طیف مخالفان انقلاب قرار گرفته بودند.
- معمولاً حکومت یک طبقه بر طبقات دیگر جامعه بود نه حکومت مردم بر مردم، و رهبران آنها کلاً از طبقه روشنفکر بودند.
- حکومت‌های انقلابی بعد از پیروزی، دین‌ستیزی را اختیار نموده و با هرگونه عقاید مذهبی به شدت مخالفت می‌کردند.
- در شعارهای مربوط به اهداف و آرمان‌های تمام انقلاب‌ها، عمدتاً ارزش‌های سیاسی و اقتصادی مدنظر بوده و در برخی انقلاب‌ها مانند انقلاب هندوستان به رهبری مهاتما گاندی و انقلاب الجزایر جنبه ضد استعماری و ضد اشغالگری آن مورد توجه بود.
- بعد از حدود ۱۰ تا ۲۵ سال از سپری شدن اکثر انقلاب‌ها، اهداف و ارزش‌ها و شعارهای انقلاب کمرنگ شده و بین رهبران انقلاب و مردم فاصله ایجاد گردید (بجز انقلاب کوبا به رهبری فیدل کاسترو که هنوز پایگاه مردمی خود را حفظ کرده است)

در مقابل ویژگی‌های سایر انقلاب‌ها، انقلاب اسلامی ایران دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و متفاوت و حتی در برخی موارد متضاد با سایر انقلاب‌های جهان است که در ادامه به مصداق‌های آن اشاره می‌نمائیم.

ویژگی اول: انقلاب اسلامی ایران دارای ریشه و ماهیت دینی و مذهبی و با انگیزه الهی بوده است در حالی که انقلاب‌های دیگر فاقد چنین ویژگی بوده‌اند و حتی در سه انقلاب اشاره شده، بنیان انقلاب را با ضدیت با دین بنا نهادند.

ویژگی دوم: رهبری و هدایت توده‌های مردم برای حضور در صحنه‌های انقلاب به عهده روحانیت بوده، در صورتی که در سایر انقلاب‌ها روحانیون (کشیشان) در جبهه مخالف انقلاب قرار داشتند و در کنار درباریان و عوامل رژیم‌های مرتجع بودند. در همین زمینه‌ها دکتر محمود طلوعی می‌گوید: در هر دو انقلاب فرانسه و روسیه روحانیون در کنار دربار قرار داشتند و انقلابیون پس از بدست گرفتن قدرت به مبارزه با نفوذ کلیسا و قطع امتیازات طبقه روحانی پرداختند. در فرانسه هزاران کشیش در جریان انقلاب قتل عام شدند و مجلس انقلاب، زمین‌های متعلق به کلیسا را ضبط و اعیاد و مراسم مذهبی را لغو کرد. ویژگی سوم: پیدایش معنویت و بیداری معنویت در جوامع اسلامی و غیر اسلامی بوده که باعث حرکت‌های معنوی در دل مسیحیان و یهودیان راستین گردید.

ویژگی چهارم: در انقلاب اسلامی ایران تمام اقشار جامعه اعم از کارگر، کشاورز، کارمند، دانشجو، دانش‌آموز، فرهنگی، دانشگاهی، روحانی، بازاری، ارتشی، روزنامه‌نگار و سیاستمداران فارغ از جنسیت حضور داشتند، در حالیکه در تمام انقلاب‌های ضد استعماری فقط طبقات خاص حضور داشتند.

ویژگی پنجم: رهبری پیامبرگونه حضرت امام خمینی (ره) که پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان به روش ساده زیستی خود ادامه داد.

ویژگی ششم: شعارها و اهداف و ارزشهای انقلاب اسلامی ایران عمدتاً فرهنگی و سیاسی بودند و این انقلاب تلفیقی از دین و سیاست است که به یک معنا، یک انقلاب فرهنگی است که یکی از نتایج آن پرکردن شکاف بین دین و علم بوده است. ولی شعارها و ارزشهای سایر انقلاب‌ها، اقتصادی و سیاسی بود.

۲) وضعیت رژیم قبل از انقلاب

برای درک اهمیت و عظمت انقلاب اسلامی ایران، اوضاع متفاوت رژیم پهلوی را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی جمع‌بندی می‌نمایم.

حکومت ایران قبل از انقلاب از بُعد اقتصادی به علت افزایش بی سابقه قیمت نفت در سالهای ۵۶ و ۵۷ در وضعیت مطلوبی بود، بطوریکه برای اجرای پروژه‌های بزرگ نفتی، پتروشیمی، فولاد و ساختمان هزاران کارگر از کشورهای کره جنوبی،

ژاپن، هندوستان، ترکیه و ... در ایران مشغول بکار بودند. از بعد نظامی، از نظر تجهیزات و امکانات نظامی پنجمین ارتش دنیا بوده است به نحوی که بعنوان ژاندارم منطقه خاور میانه معروف شده بود. دخالت مستقیم در جنگ ظفار عمان، کمک نظامی و تسلیحاتی به رژیم غاصب اسرائیل در جنگ با اعراب، کمک به دولت دیکتاتور وقت سومالی و ... از نمونه‌های بارز ژاندارمی رژیم بود. از نظر سیاسی و بین‌المللی، ارتباط تنگاتنگ با ایالات متحده آمریکا و کلیه کشورهای اروپای غربی و همچنین کشورهای عربی منطقه و اتحاد جماهیر شوروی و چین و اسرائیل داشت. لذا به همین دلیل مشکل عمده و اساسی که بتواند موجبات تزلزل رژیم پهلوی را فراهم آورد، وجود نداشت و از جهتی در کلیه زمینه‌های سیاسی تصور نمی‌شد که رژیم ایران با بحران مواجه شود و حتی شاه ایران و برخی از سیاستمداران غربی، دو سال قبل از پیروزی انقلاب، کشور ایران را جزیره ثبات نامیدند.

در صورتیکه حکومت‌های فرانسه، روسیه و چین در سالهای پیش از انقلاب از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی در وضعیت بسیار نامطلوب و شکننده ای بوده اند به نحوی که وقوع انقلاب در آنها پیش بینی می‌شد.

امام عظیم‌الشان در رابطه مقایسه این انقلاب با انقلاب‌های بزرگ دنیا می‌فرماید: "این انقلاب فرانسه، آن انقلاب شوروی، مطالعه کنید. اشخاص ببینند که آیا قبل از انقلابها چه بوده است و حال چه هست. آیا به حال ملت‌ها امری حاصل شده است؟" انقلاب اسلامی ایران در چهار دهه بعنوان یک الگوی دینی در نظام بین‌المللی، نه تنها باعث موج بیداری در جهان اسلام شده است، بلکه به یک الگوی سیاسی دولت مقاوم در مقابل تحریم‌های بیرحمانه و ظالمانه آمریکا و کشورهای غربی تبدیل گردید. بطوریکه حتی حرکت‌های اعتراضی و جنبش‌های مردمی در برخی کشورهای جهان بویژه کشور فرانسه تحت تأثیر الگوی مقاومت کشور ما قرار گرفت. در همین ارتباط به سخن رهبر جنبش جلیقه زردهای فرانسه اشاره می‌کنیم که می‌گوید: "ما از انقلاب اسلامی ایران برای عدالت و برابری در جامعه الگو گرفته‌ایم."

همین فرهنگ مقاومت نظام جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و همسایه از جمله کشورهای سوریه، عراق، افغانستان، ترکیه، روسیه و حتی کشور کوچکی مانند ونزویلا گسترش یافته و علیرغم تهدیدها و تخریب‌ها و فشارهای مستقیم و غیرمستقیم آمریکا و اروپا به راه خود ادامه داده و خواهد داد.

بخش چهارم:

انقلاب اسلامی ایران و ماندگاری آن

ماندگاری هر نظام سیاسی و یا هر حکومتی، اصلی‌ترین هدف و در حقیقت، هدف وجودی آن حکومت یا نظام سیاسی در مسیر حرکت خود است. تغییر و تحول، جزء تغییرناپذیر زندگی بشر است و به همین دلیل، بشر از ابتدای خلقت تاکنون

سعی کرده تا با بررسی دقیق این تغییرها، مضرات و فایده‌های این تغییرها را کشف و در جهت پیشرفت زندگی خود استفاده کند. بررسی ماندگاری انقلاب‌ها و مؤلفه‌های ماندگاری آن، یکی از کارهای مهم و درعین حال، ضروری برای آسیب‌شناسی هر انقلاب است و هر انقلابی برای اینکه بتواند به اهداف و آرمان‌های اعلامی خود دست یابد، بی تردید باید در مراحل مختلف پس از انقلاب، به ارزیابی و آسیب‌شناسی راه‌رفته خود پرداخته و با برنامه‌ریزی دقیق در جهت حفظ، تثبیت و رسیدن به اهداف خود حرکت کند. یکی از الزام‌های این نگاه، وجود شاخص‌هایی برای بررسی میزان پایداری به آرمان‌ها و سیاست‌ها است که پایداری به این مؤلفه‌ها، ماندگاری و تثبیت انقلاب را در پی دارد و عدم توجه و رعایت نکردن آنها تغییر مسیر، انحراف یا حتی نابودی انقلاب را سبب خواهد شد.

مؤلفه‌های گردآوری شده در ذیل، عناصری هستند که در طول سالیان، مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مطرح فرموده‌اند و لزوم توجه، حفظ و تداوم این مؤلفه‌ها برای حفظ انقلاب اسلامی و رشد آن امری ضروری است و بررسی اندیشه رهبران انقلاب به عنوان نقش آفرینان اصلی و هدایت‌کنندگان انقلاب برای درک عوامل اصلی ماندگاری انقلاب‌ها ضرورتی مضاعف پیدا خواهد کرد. یکی از مهمترین علل بررسی انقلاب‌ها، پی بردن به عواملی است که باعث دگرگونی یا ماندگاری انقلاب می‌شود و ماندگاری انقلاب اسلامی موضوعی است که رهبر انقلاب اسلامی به خصوص در سال‌های اخیر بسیار تأکید داشتند که باید مردم، آن را تأمین کنند. ایشان می‌فرمایند: «ماندگاری [انقلاب] را باید به عنوان یک هدف در نظر داشت و در این فکر بود که چگونه تأمین خواهد شد؛ نگاه کنید ببینید «عناصر ماندگاری انقلاب چیست؟» آن عناصر را همه ما باید تأمین کنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۹/۱۰/۹۴). در بیانات ایشان تأکید شده است که انقلاب و ماندگاری آن را به عنوان یک هدف و شاخص باید در نظر داشت و به فکر تأمین آن بود؛ ایشان معتقدند که باید عناصر و مؤلفه‌های ماندگاری انقلاب اسلامی ایران احصا شده و در جهت ارتقا و تثبیت آن، برنامه‌ریزی‌های لازم انجام شود. مقام معظم رهبری برای تأمین ماندگاری انقلاب اسلامی، توجه به روح و سیرت این حرکت و حفظ این روح و هویت را مهم می‌دانند.

۱) اسلام

یکی از ارکان اصلی و مهم ماندگاری انقلاب اسلامی که بارها مقام معظم رهبری به آن تأکید فرموده‌اند، پایداری به ارزش‌های اسلامی و حفظ و تقویت آنها است. اسلام ناب محمدی، روح و هویت اصلی انقلاب اسلامی است که باعث می‌شود این انقلاب در مسیر درست خود گام برداشته، منحرف نشود؛ تأمین این رکن مهم نیز بر دوش مردم است که رهبری این انقلاب، آن را میسر می‌سازد.

رهبر معظم انقلاب در خصوص اسلام به عنوان یکی از خصوصیات اصلی حفظ و ماندگاری نظام اسلامی و انقلاب معتقدند که «اسلامی بودن به عنوان یک ویژگی ممتاز در این انقلاب وجود دارد که بیشترین تأثیر را بر چهره بین‌المللی این انقلاب در دنیا و همچنین در مانایی و موفقیت‌های انقلاب در ایران اسلامی داشته است؛ این ویژگی، امروزه نیز محرک بسیاری از حرکت‌ها در پرتو انقلاب اسلامی ایران بوده، از سوی برخی آزادی‌خواهان و حقیقت‌طلبان دنبال می‌شود و می‌توان آن را مبنای این انقلاب در قالب ارزش‌های اسلامی، دینی و اخلاقی مطرح و پیگیری کرد. (مقام معظم رهبری، ۶۸/۱۱/۲۰).

اگر اسلام به عنوان یکی از ارکان اصلی پایداری و ماندگاری انقلاب اسلامی، خدشه دار شود، درحقیقت، روح و هویت این انقلاب آسیب می‌بیند و این ضرورت حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی توسط آحاد ملت و تبیین‌های درست نخبگانی در این جهت را مشخص می‌کند؛ این شاخص نشان می‌دهد که اسلام و ارزش‌های مبتنی بر آن، از منافع وجودی انقلاب اسلامی است که غیر قابل‌تغییر، سازش و معامله‌آمیز و هم‌تراز اصل وجود این انقلاب و نظام است.

۲) مردم

عامل مهم و حیاتی «مردم» از دیگر پایه‌های مهم و ارکان اصلی ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است. نقش و حضور مردم با جان‌های خود، در تمام لحظات بحرانی برای انقلاب اسلامی سبب شد تا این انقلاب حفظ شود؛ شهدا و ایثارگرانی که در طول هشت سال دفاع مقدس و پس از آن در تمام مقاطع حساس به داد این انقلاب رسیدند، باعث حفظ و تثبیت آن شدند. حضور مردم سبب افزایش مقبولیت ولی فقیه در جامعه است و این یعنی مردم سبب محکم‌تر شدن بیشتر پایه‌های دیگر در ماندگاری انقلاب نیز می‌شوند.

رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در خصوص پشتیبانی مردم از انقلاب معتقدند که یکی از مهمترین ویژگی‌ها و امتیازهای اصلی انقلاب اسلامی ایران، داشتن تکیه گاهی چون مردم است؛ ایشان معتقدند که مشکلات این کشور در سایه حضور و حمایت مردم، قابل حل و فصل خواهد بود. ایشان اعتقاد دارند که دلیل اصلی و عمده‌ای که تا این لحظه، دشمنان این نظام و انقلاب نتوانستند به این کشور به طور جدی آسیب بزنند، پشتیبانی حقیقی ملت ایران از انقلاب اسلامی بوده است (مقام معظم رهبری، ۷۳/۱۱/۲۸).

رهبر معظم انقلاب درباره بسیج مردمی به عنوان یکی از تشکیلات اصلی مردمی و حامی انقلاب معتقدند که بسیج، راز مانایی، پایداری و عزت این کشور بوده است؛ ایشان بسیجیان را جمعی از بهترین و با ایمان‌ترین مردم می‌دانند که در هر زمینه‌ای که کشور به آنها نیاز داشته است، بی‌درنگ به میدان وارد شدند و تمام توان خود را به کار گرفتند تا مشکل

را حل کنند و کارهایی بزرگ برای کشور انجام داده‌اند. رهبر انقلاب این نکته را برای حفظ و ماندگاری انقلاب اسلامی، بسیار حائز اهمیت می‌دانند. (مقام معظم رهبری، ۸۸/۰۹/۰۴). درحقیقت مردمی بودن این انقلاب و ایجاد نوعی روح و هویت جمعی منبعت از اسلام در جامعه ایرانی سبب شده است که این انقلاب، آسیب‌ناپذیر بوده و روز به روز بر تأثیرهای او در جهان افزوده شود.

۳) کارآمدی انقلاب

قابلیت و توانایی یک نظام اجتماعی، در رسیدن به اهداف خود تعیین می‌شود و حل مشکلات جامعه؛ آن هم با وجود امکانات و موانعی که در هر جامعه با توجه به اهداف آن، متفاوت است؛ براین اساس، کارآمدی بر پایه مقولاتی از قبیل توانایی، اهداف، امکانات، موانع و جوامع مختلف تبیین می‌شود.

نگاه مقام معظم رهبری به مقوله کارآمدی نظام، بسیار اساسی است؛ تا آنجا که ایشان کارآمدی مسئولان نظام را شرط مشروعیت آنها می‌داند و میان مشروعیت و کارآمدی، پیوند برقرار می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۳/۰۶/۳۱). کارآمدی انقلاب و نظام اسلامی، یکی از ارکان اصلی ماندگاری انقلاب اسلامی است و این رکن به نوعی، مکمل سه رکن اصلی دیگر است؛ یعنی کارآمدی، عنصری است که به ما نشان می‌دهد که سه رکن مردم، اسلام و رهبری در وضعیتی مطلوب و در مدت قریب به ۴۰ سال پس از انقلاب حرکت کرده و ارتقاء یافته‌اند.

رهبر معظم انقلاب درخصوص کارایی و کارآمدی انقلاب اسلامی و نظام معتقدند که این انقلاب و نظام، تاکنون به طور کامل کارایی داشته است و طبق قانون اساسی اهداف نظام اسلامی پیش رفته است؛ البته این مورد به معنی نبود ضعف‌ها و کاستی‌های فراوان به خصوص با وجود دشمنی‌های روزافزون دشمنان انقلاب نیست؛ بلکه این کارآمدی در مقایسه با وضعیت گذشته ایران قابل درک است. ایران اسلامی، پیشرفت‌های کلان و زیرساختی فراوانی داشته که ذیل وحدت مردمی، هدایت رهبری و پایداری به اسلام به منصف ظهور رسیده است.

۴) رهبری نظام

رهبری انقلاب که امام خمینی (ره) آغازگر آن بود و پس از ایشان، مقام معظم رهبری (مدظله العالی) این مهم را برعهده دارند، یکی از ارکان‌های پُراهمیت در جریان ماندگاری انقلاب اسلامی و حفظ آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی است که درجه آن نسبت به سایر مؤلفه‌هایی که در بالا ذکر شد، از جایگاه بالاتری برخوردار است و در واقع، رهبری پیوند

دهنده سایر مؤلفه‌ها با همدیگر است. رهبر انقلاب در حقیقت، دیگر ارکان سازمان دهنده را به همدیگر پیوند می‌زند و اسلام و مردم، تحت فرماندهی و تدبیر و درایت رهبری آگاه و شجاع به همدیگر پیوند خورده و سبب حفظ این انقلاب می‌شوند. رهبری، نقش ایده پرداز اسلامی را نیز دارد و نوع حکومتش بر مردم، طبق دستورهای اسلامی است؛ البته ویژگی‌ها و شاخص‌های درونی شخص رهبری که در قانون اساسی آمده است، نیز سبب تقویت رکن مهم ماندگاری انقلاب می‌شود.

امام خمینی (ره) با شخصیتی کاریزماتیک و جذبه علمی و عرفانی، جوانان بسیاری از اقشار اجتماع ایران را به گرد خود درآورده بود؛ ایشان علاوه بر وجه رهبری یک حرکت سیاسی، مرجع تقلید مردم در امور دینی نیز بودند و اعتباری مضاعف از این حیث نزد مردم داشتند.

رهبر انقلاب درخصوص جایگاه ولایت فقیه معتقدند که اساس حرکت در نظام اسلامی، مبتنی بر پابندی به مبانی بوده و ولایت الهی به عنوان مهمترین منبع و مبدأ مشروعیت نظام جمهوری اسلامی که به یک فقیه جامع الشرایط در قالب رهبر جامعه واگذار می‌شود، یک شرط اصلی دارد و آن نیز پابندی به احکام شرعی از ناحیه شارع مقدس است.

رهبر جامعه اگر به احکام الهی و قوانین اسلامی پشت کند یا نسبت به آنها بی تفاوت باشد و از لحاظ نظری و عملی به هیچ یک از این قوانین اعتنا نکند، از مشروعیت می‌افتد و دیگر نیازی به اطاعت او نیست و بر کسی نیز واجب نیست مطیع ایشان باشد؛ بلکه حتی جوازی هم برای این کار وجود ندارد. (مقام معظم رهبری، ۱۴/۰۳/۸۵).

بخش پنجم:

انقلاب اسلامی ایران، نقدپذیر و تجدیدنظرناپذیر

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیانیه‌ی مهم و راهبردی گام دوم انقلاب، به تبیین ویژگی‌های مسیر پر افتخار پیموده شده در چهل سال گذشته و برکات خیره‌کننده انقلاب اسلامی در رساندن ایران عزیز به جایگاه شایسته ملت پرداختند و با تأکید بر امید واقع‌بینانه به آینده و نقش بی‌بدیل جوانان در برداشتن گام بزرگ دوم به سمت آرمانها، خطاب به جوانان و آینده‌سازان ایران مقتدر، الزامات این جهاد بزرگ را در ۷ سرفصل اساسی بیان کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است که «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.» در این زمینه ضرورت دارد به موارد زیر توجه نمود:

۱) انقلاب اسلامی آماده تصحیح خطاهای خویش است

در روایات به‌وفور مشاهده می‌شود که دستور به اصلاح نفس و اصلاح امور بین مسلمین و برطرف کردن اختلافات و تبدیل به اتحاد و همدلی نموده است؛ یعنی اسلام و دین که از اموری الهی هستند، نقص و عیبی ندارند، اما مجریان احکام الهی که در قالب انقلاب اسلامی گاهی ممکن است اشتباهاتی را مرتکب شوند که روایات تأکید بر اصلاح امور دارند. مقام معظم رهبری در این باره این‌گونه می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارزاده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است».

در این باره روایتی را ابان بن ابی عیاش از سلیم نقل می‌کند که مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و در باره اسلام سؤال نمود. حضرت فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی اسلام را تشریح و قانون‌گذاری کرد، و قوانین آن را برای کسی که به آن داخل شود آسان قرار داد، و پایه‌های آن را برای کسی که به جنگ آن برخیزد مستحکم نمود. خداوند اسلام را عزت قرار داد برای کسی که دوستدارش باشد، صلح و سلامتی برای کسی که داخل آن شود، پیشوای کسی که به آن اقتدا کند، زینت برای کسی که خود را به آن بیاراید، ذخیره برای کسی که آن را دین خود قرار دهد، دستاویز برای کسی که خود را به آن محکم کند، ریسمان برای کسی که به آن چنگ زند، دلیلی محکم برای کسی که آن را بیاموزد، نور برای کسی که آن را وسیله روشنی خود قرار دهد، شاهد برای کسی که بوسیله آن به مخاصمه دشمن رود، باعث غلبه برای کسی که با آن به محاکمه رود، علم برای کسی که آن را در قلب خود جای دهد، حدیث برای کسی که آن را روایت کند، حکم برای کسی که به آن قضاوت کند، مایه حلم برای کسی که آن را مورد تجربه و آزمایش قرار دهد، و شفاء و تعقل برای کسی که تدبّر و تفکر نماید، فهم برای کسی که زیرکی کند، یقین برای کسی که فکر کند، بصیرت برای کسی که قصد آن را کرده باشد، نشانه برای کسی که آن را نشان خود قرار دهد، مایه عبرت برای کسی که می‌خواهد پند بگیرد. خداوند اسلام را نجات قرار داده برای کسی که راست بگوید، و دوستی برای کسی که در پی اصلاح باشد، و تقرب برای کسی که نزدیک شود، و اعتماد برای کسی که توکل کند، و امید برای کسی که کارش را (به خدا) بسپارد، و سابقه برای کسی که احسان کند، و خیر برای کسی که پیشی بگیرد، و سپر برای کسی که صبر کند، و لباس برای کسی که تقوی پیشه کند، و پناه و کمک برای کسی که هدایت یافته، و پناهگاه برای کسی که امن می‌طلبد، باعث اطمینان برای کسی که تسلیم باشد، و باعث خوشی برای راستگویان، و موعظه برای متقین و نجات برای رستگاران قرار داده است». در این روایت بسیار زیبا امام علیه السلام اسلام را دقیق و جامع و کامل متصور نموده است و در بخشی از روایت اسلام را دوستی می‌داند که در پی اصلاح است.

انقلاب اسلامی ایران که مدعی تبعیت از احکام الهی و دینی است، خود به طریق اولی باید عامل به این فرمان الهی که اصلاح امور هست، باشد. مقام معظم رهبری انقلاب را به یک پدیده زنده تشبیه می‌نماید و همان‌گونه که انسان، ممکن است خطایی

از او سر بزنند، در این انقلاب نیز به ندرت ممکن است خطایی از جانبی صورت بگیرد که باید به دنبال جبران اشتباه گذشته بود.

۲) نقدپذیری

اصل نقدپذیری مطلبی است که رهبران دینی انقلاب اسلامی بر روی آن تأکید داشته و خود ایشان در مرحله عمل آن را نشان داده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» «آیا امر می‌کنید مردم را به اعمال نیکو و خودتان را فراموش می‌نمایید؟ یعنی اگر انقلاب اسلامی مردم ایران و جهان را به خیر و خوبی و خدا و معنویت دعوت می‌کند، اگر جایی خودش مسیر را اشتباه طی کرد باید سخن دلسوزان و منتقدین را بشنود و خود را به نحو احسن اصلاح نماید. روایت شده است که ابو ثعلبه اسدی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم پرسید که تفسیر این آیه شریفه چیست؟ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» [۳] «ای آن کسانی که ایمان آوردید بر شما باد که مواظب نفس‌های خود باشید و ضرر نمی‌رساند به شما گمراهی و انحراف دیگری چون شما در هدایت به راه مستقیم باشید» رسول اکرم پاسخ دادند: «امر کن به معروف و نهی کن از منکر و صبر کن به آنچه از ناملایمات به تو می‌رسد، و در انجام این وظیفه مهم تا توانی استقامت داشته باش، تا جایی که بر خورد کنی به افرادی که حرص شدید به دنیا و زینت‌های دنیوی داشته و پیروی سخت از هوی و هوس کرده و در عین حال مغرور و فریفته آراء و افکار خود باشند، در این صورت این وظیفه از عهده تو ساقط شده، و بر تو است که متوجه اصلاح امور و تهذیب نفس خود بوده، و از امر به معروف و دعوت و نصیحت و موعظت خود داری کنی».

بله در جریان احکام الهی، آن هم در قالب انقلاب اسلامی خیلی‌ها ممکن است بدشان بیاید، سختشان باشد و به مزاجشان خوش نیاید و یا با منافعشان در تضاد باشد. گاهی مشاهده می‌شود این افراد از در دلسوزی و انتقاد وارد گشته و توصیه به عبور و کنار گذاشتن خطوط قرمز و حدود الهی و انقلاب اسلامی داشته‌اند. همان‌گونه که در زمان امام حسن مجتبی علیه السلام بعضی از صحابه بزرگ، ایشان را نقد می‌کردند که چرا با معاویه صلح نمودید و یا خطاب به امام حسین علیه السلام که چرا به جنگ با یزید می‌روید؟ نقد کردن امری پسندیده است اما نه در مواردی که اصل اسلام و انقلاب زیر سؤال برود.

ابی جعفر محمد بن نعمان احوال از امام صادق علیه السلام روایت نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «بدان که چون حسن بن علی علیهما السلام نیزه خورد و مردم در باره حکومتش اختلاف کردند کار را به معاویه واگذارند و شیعه بر او گفتند (السلام علیک یا مُدَلِّ الْمُؤْمِنِينَ) فرمود: من مؤمنان را خوار نکردم ولی عزیزکننده مؤمنانم، چون من دیدم شماها نیروی مقاومت (با هواداران

معاویه) ندارید کار را واگذار کردم تا من و شماها در میان آنها بمانیم، چنانچه آن عالم کشتی را معیوب کرد تا برای صاحبانش بماند و چنین است کار شخص من با شماها تا بمانیم در میان آنها».

همان‌طور که گذشت نقد امری خوب است به شرطی که به اصول و مبانی ضربه‌ای وارد نکند. امام حسن مجتبی علیه السلام برای حفظ جان اندک شیعه‌ای که در آن زمان باقی مانده بودند تن به صلح با معاویه ملعون دادند؛ یعنی حفظ جان شیعیان برای امام اصل است. لذا کسی که نقد به اصل می‌کند را رد می‌کنند.

با توجه به آنچه بیان گردید باید اذعان نمود نظام مردم‌سالار دینی نقش برجسته‌ای به دیدگاه‌ها و آزاداندیشی در راستای رفع ایرادات می‌دهد. این حس نیت نسبت به نقدپذیری و آسیب‌شناسی در راستای زدودن نواقص، نشانگر پویایی نظام سیاسی و ایستادن آن است.

مقام معظم رهبری نیز بر همین مطلب تأکید دارند که ما در نظام جمهوری اسلامی نقدپذیر هستیم، نظرات و آراء مختلف را با جان و دل گوش می‌دهیم، ولی به این معنا نیست که از اصول و خطوط قرمز خودمان عقب بکشیم، بلکه از ارزش‌های مقدس و آرمان‌های انقلاب تا ابد دفاع خواهیم کرد. انقلابی که برای رشد آن جان‌ها و خون‌های بسیار زیادی، از بهترین جوانان این مرز و بوم، پای درخت و ریشه آن ریخته شده است.

بخش ششم:

انقلاب اسلامی ایران، حساس به پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو

رهبر معظم انقلاب در بندی از بیانیه گام دوم انقلاب می‌نویسند: «جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است...». یکی از علل متحجر نبودن جمهوری اسلامی در برابر پدیده‌های نوظهور، وجود «فقه پویا» و عنصر «اجتهاد» در اندیشه شیعه و اعتقاد امام خمینی (ره) و همچنین رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) به آن است.

۱) حضرت امام خمینی (ره)

حرکت امام خمینی در حوزه و آغاز دروس ولایت فقیه سال ۴۸ در نجف، در شرایطی که فقها کمتر به مقوله فقه حکومتی می‌پرداختند، نشان از اندیشه اجتهاد پویا در ایشان بود. یکی از لوازم حکومت دینی با توجه به مقتضیات زمان و مکان، مسئله «احکام ثانویه» است. امام خمینی پس از پیروزی انقلاب احکام ثانویه را نیز از احکام الهی برمی‌شمردند و در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌فرمایند: «احکام ثانویه برای همین معناست که گاهی یک مسائلی در جامعه‌ها پیش می‌آید که باید

یک احکام ثانویه‌ای در کار باشد، آن هم احکام الهی است، منتها احکام ثانویه الهی است. ما باید درصدد این معنا باشیم که اگر رأی به یک پیشنهادی می‌دهیم، توجه بکنیم که ما تحت تأثیر یک مکتبی از مکتبهای دنیا واقع نشویم، ما تحت تأثیر قرآن باشیم". (۱۳۶۱/۱۱/۰۴)

یکی دیگر از نوآوری‌های فقهی امام خمینی، فتوای ایشان درباره «تغییر جنسیت» بود که برای اولین بار در اسلام یک فقیه حکم به مشروعیت این عمل می‌دهد. امام خمینی سال ۴۳ در تحریرالوسیله این مسئله را ذیل «مسائل مستحدثه» مطرح می‌کند و می‌نویسد "تغییر جنس دادن مرد به زن و بالعکس تغییر جنس زن به مرد، همچنین اقدام شخص خنثی به منظور ملحق شدن به یکی از دو جنس، ظاهراً حرام نیست". (تحریرالوسیله، ج ۲؛ البحث حول المسائل المستحدثه، مبحث "و منها تغییر الجنسیه" مسأله ۱) پس از انقلاب، در سال ۱۳۶۴ شخصی به نام "فریدون ملک‌آرا" با حضور در بیت امام خمینی در جماران، با بیان این استدلال که از نظر روانی خود را یک زن می‌داند، از ایشان برای تغییر جنسیت کسب تکلیف کرده و امام نیز پس از تأیید پزشکان متخصص، به او اجازه چنین کاری را داد.

در فتوای معروف حلیت شطرنج نیز امام خمینی قواعد سنتی حوزه را شکاندند و حلیت این بازی را در صورتی که برد و باختی در میان نباشد و قمار محسوب نشود، اعلام کردند. ایشان در فتوایی هم درباره خرید و فروش آلات موسیقی فرمودند "خرید و فروش آلات مشترک به قصد منافع محلله آن اشکال ندارد". (۱۳۶۷/۰۶/۱۹)

۲) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

پایبندی به فقه پویا و اجتهاد در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز برجسته است. ایشان سال ۷۰، در آغاز درس خارج فقه خود می‌فرمایند "ما باید به فقه عمق ببخشیم. از سطحی‌نگری در فقه بایستی پرهیز بشود. امروز فقه ما باید از فقه زمان شیخ و شاگردان شیخ و شاگردان شاگردان شیخ - که بزرگان دوره‌ی ماقبل ما هستند - عمیق‌تر باشد. در مسائل، ما به هیچ وجه نباید سطحی فکر کنیم. باید به فقه پیچیدگی و عمق ببخشیم، این، یک بعد از ابعاد پیشرفت فقاقت است." در مسئله «شبهه‌سازی» که جزو مسائل مستحدثه به حساب می‌آمد، فتوای رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) موجب شد تا این دانش در ایران رشد و گسترش پیدا کند. حمید گورابی، رئیس پژوهشگاه رویان درباره نظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در مصاحبه چندسال پیش با تسنیم چنین گفته است: زمانی که قصد داشتیم به مسائل سلول‌های بنیادی و شبهه‌سازی ورود پیدا کنیم مرحوم کاظمی گزارشی را برای مقام معظم رهبری در این زمینه تهیه کردند و از ایشان خواستند که از نظر کارشناسی اجازه این کار داده شود... پاسخ مقام معظم رهبری به این نامه به این شرح است: «به این دوستان بگویید با همت و پشتکار هدف‌های بزرگ این تحقیقات را دنبال کنند و این ثروت هنگفت انسانی را برای خود و کشور محقق نمایند. باید مواظب

باشند که ساختن قطعات یدکی انسان به ساختن خود انسان منتهی نشود». در واقع مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در زمینه شبیه‌سازی، ضمن اعلام حمایت از ورود به این عرصه صرفاً موضوع شبیه‌سازی انسان را رد کردند. مجموعه نظرات امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نشان می‌دهد باب رویارویی با پدیده‌ها و عرصه‌های جدید علمی در جمهوری اسلامی باز است و با استفاده از عنصر فقه پویا و بررسی مسائل در شرایط زمانی و مکانی متفاوت، بسیاری از علوم که در عصر جدید توسط بشریت کشف شده، مورد مذاقه قرار می‌گیرد. تأسیس دفتر "فقه معاصر" در حوزه در سال‌های اخیر نیز گام مهمی برای نوآوری فقهی در موضوعات مختلف علمی، سیاسی، اقتصادی و... است.

بخش هفتم:

انقلاب اسلامی ایران، حساس به مرزبندی با رقیبان و دشمنان^۱

یکی از مهم‌ترین بخش‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تأکید بر «مرزبندی با دشمن» است. آنچه بر اهمیت این امر در اندیشه رهبر انقلاب می‌افزاید، یاد کردن از این اصل به عنوان راهکار مصونیت از تهاجم نرم دشمنان و به مثابه وظیفه‌ای است که همیشه باید مورد نظر قرار گیرد.^۲ ایشان در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) نیز بر اصل مرزبندی و فاصله‌گذاری با دشمن در سیره‌ی امام راحل تأکید فرمودند: «یکی از مسائل اساسی‌ای که امام بر آن اصرار داشتند، ایجاد فاصله و ایجاد مرز بین تفکر و سبک زندگی اسلامی و نظام اسلامی با نظام‌های غربی بود.»^۳ این نگاه ریشه‌ای قرآنی و روایی دارد و برآمده از سیره معصومان (علیهم‌السلام) است؛ و تبیین این سیره می‌تواند چگونگی مرزبندی مطلوب با دشمنان و خطوط ناپیدایی از این عمل مطلوب را به تصویر بکشد. از این رو این یادداشت می‌کوشد خوانش سیره‌ی تعاملی امام رضا (علیه‌السلام) و ائمه معصومین علیهم‌السلام از زاویه‌ی مرزبندی با دشمن، را واکاوی نماید.

۱) مرزبندی یعنی اظهار اصول بنیادی در مقابل نفوذ دشمن

مرزبندی دشمن را می‌توان به «اظهار اصول بنیادین و بیزاری جستن از دشمنان در شرایطی که تلاش دارند تا با سوء استفاده از فضای جامعه و از طریق ابزارهای گوناگون تبلیغاتی این اصول و ارزش‌ها را کم‌رنگ جلوه داده و به نفوذ در جامعه اقدام

۱- امام رضا علیه‌السلام؛ اسوه‌نخبان در مرزبندی با دشمن، ۱۴۰۱/۰۳/۲۰. قابل دسترس در:

<https://khl.link/f/۵۰۴۳۷>

۲- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

۳- بیانات در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۴۰۱/۰۳/۱۴

نمایند»، تعریف نمود. با مراجعه به منابع، روشن میشود که مهم-ترین دشمن حضرت در عرصه‌ی سیاسی، «حکومت وقت» است و از زمانی که مأمون عباسی در اواخر عمر حضرت، تلاش نمود تا با خدعه و نیرنگ به حضرت نزدیک شود، آن امام همام، تصویری دیگر از مرزبندی با دشمن را نمایان ساختند.

۲) نزدیک شدن مأمون به امام (علیه‌السلام) با اسم رمز ولایتعهدی

با آغاز خلافت مأمون، فضای فکری جامعه با حکومت همسو و هماهنگ نبود. از طرفی قیام‌های بزرگی در بخشهای قابل توجهی از قلمرو عباسی شدت گرفت. از سوی دیگر مأمون در خاندان عباسی که صاحبان اصلی خلافت بودند، جایگاهی نداشت و آنان مأمون را در حد و اندازه به دوش انداختن ردای خلافت نمی‌دیدند. حاصل این دو موضوع خود سبب منفی‌تر شدن فضای جامعه نسبت به حکومت مأمون بود و سبب شد تا او از مشروعیت سیاسی و قدرت تسلط بر امور، به ویژه پس از درگیری‌های مشتمل‌کننده‌ی او با خلیفه‌ی پیشین و همچنین نگاه مثبتی که عموم نسبت به خاندان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و علویان و برخی قیام‌های ضد عباسی داشتند، برخوردار نباشد.

در این شرایط، در بین گروه‌های موجود در عصر مأمون، مهم‌ترین گروهی که از هویتی تاریخی برخوردار باشد، از جمله مخالفان حکومت عباسی به شمار آید، قیام مسلحانه بر ضد حکومت را به صلاح پیروان خود نبیند و در عین حال از خاندان و رهبری شناخته شده برخوردار باشد، شیعه امامی و پیروان علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) بودند؛ و همین ویژگی‌ها توطئه‌ی ولایتعهدی امام رضا (علیه‌السلام) را برای آرام کردن قیام‌ها، نشان دادن ضرب شصت به خاندان عباسی و کسب مشروعیت نسبی موجه می‌ساخت. بنابراین نزدیک شدن به امام (علیه‌السلام) و پیروان او با اسم رمز «ولایتعهدی» به طور ویژه در دستور کار حکومت قرار گرفت.

۳) حکومت مأمون با نام حضرت سکه ضرب میگرد!

تعبیر مأمون در مواجهه با امام (علیه‌السلام)، چون «من فضل و علم و ورع و زهد و عبادت تو را می‌دانم و تو را به خلافت از خود سزاوارتر می‌دانم.» و یا «رای آن کردم که تو را متقلد امور مسلمانان کنم و آنچه در گردن من است بر کنده و در گردن تو نهم.» و یا اقدامات او در فرآیند معرفی امام (علیه‌السلام) به عنوان ولیعهد خویش، همچون برگزاری مراسمی بزرگ برای تکریم از امام رضا (علیه‌السلام)، ضرب سکه به نام حضرت، تزویج دخترش به ایشان، خواندن امام (علیه‌السلام) با عنوان «پسر عموم» در نزد عموم و اظهار افتخار به آن و... نشانه‌های روشنی از تلاشهای خدعه‌آمیز وی در این مسیر است.

باید به تأثیری که این اقدامات در کم-رنگ جلوه دادن فاصله امام و حکومت داشت، توجه کرد؛ برای نمونه سکه‌هایی که به نام امام رضا (علیه‌السلام) ضرب گردید تا مدتها به عنوان پول رایج در اختیار مردم قرار گرفت؛ و یا در جشنی برگزار شده، بزرگان والیان و کارگزاران حکومتی، فرماندهان لشکر، قاضیان و افراد شناخته شده از خاندانهای گوناگون حضور یافتند. مطابق خبری دیگر، مأمون خیر ولایتعهدی را برای نقاط مختلف جهان اسلام فرستاد و مردم را امر کرد تا تغییراتی را در ظواهر حکومت از لباس و پرچم و... ایجاد نمایند. این اقدامات خدعه‌آمیز تا جایی ادامه یافت که بسیاری اخبار حسن نیت مأمون را در مورد امام رضا (علیه‌السلام) و شیعیان منتشر نمودند. این در حالی است که نباید در دشمنی او به ویژه پس از اطلاع از «اجبار حضرت در فراخوانی ایشان به مرو»، «محصور نمودن امام (علیه‌السلام) در مرو»، «تهدید حضرت به قتل» و «به شهادت رساندن ایشان»، لحظه‌ای تردید نمود.

۴) امام رضا (علیه‌السلام) تا مدتها به دعوت مأمون پاسخ نمی‌داد

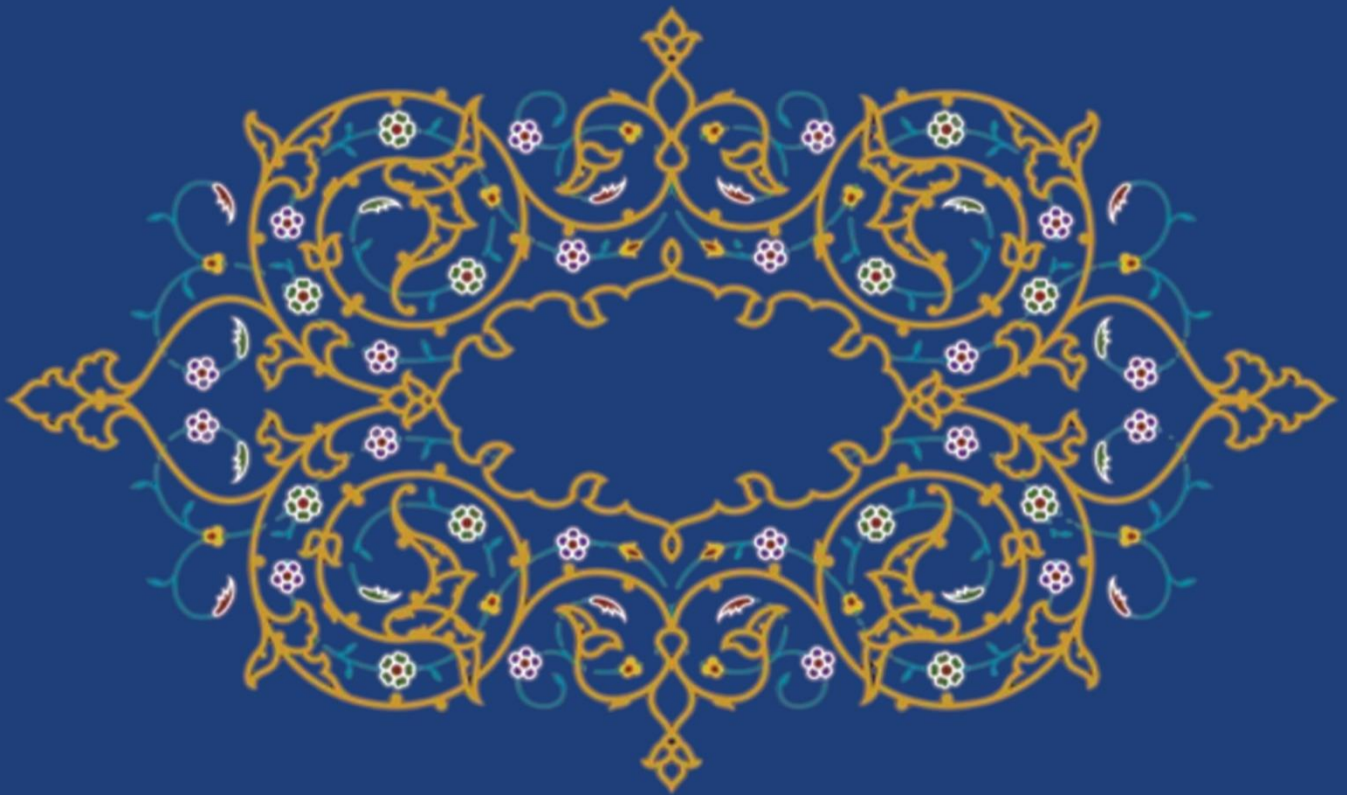
امام رضا (علیه‌السلام) با اطلاع از فضای سیاسی جامعه و اهداف مأمون، در نخستین اقدام، تا مدتی نزدیک به دو ماه به درخواستهای مأمون در مورد تشریف فرمایی به مرکز خلافت پاسخ ندادند؛ و به نوعی حکومت را ناچار به فرستادن افرادی برای اجبار امام (علیه‌السلام) به مرو نمودند. این خیر مطرح شد که آن-قدر این اصرار از سوی مأمون ادامه یافت که روشن شد خلیفه دست بردار نیست و چاره‌ای جز قبول عزیمت به سوی مرو نداشت. وداع حضرت با مرقد مطهر جدش رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اینگونه تفسیر شده که به-گونه‌ای خداحافظی کرد که گویی آخرین باری است که به زیارت قبر آن حضرت رفته و دیگر موفق به زیارت مجدد نخواهد شد. امام (علیه‌السلام) در هنگام وداع با اهل و عیال خویش نیز به گونه‌ای خاص عمل کرد تا نشان دهد که ایشان را نه به اختیار؛ بلکه به اجبار می‌برند. امام (علیه‌السلام) همه خانواده را جمع کرد و از آنان خواست به گونه‌ای بر او بگریند تا صدای آنها شنیده شود. همراه نکردن خانواده و اصحاب به نشانه‌ی عدم رضایت از سفر، از شواهد جدی در بحث است. آن حضرت از آن زمان، در هر فرصت بر این اکراه از حضور در مرکز حکومت تأکید می‌نمود. برای نمونه میتوان به تعابیر حضرت چون «من مجبور به قبول این منصب شده‌ام»، «زمانی که مجبور شدم، چاره‌ای جز قبول امر ولایتعهدی داشتم؛ و این وقتی بود که مرا تهدید به هلاکت نمودند.» و «خداوند از اینکه به دست خود، خود را به هلاکت اندازم، نهی فرموده.» اشاره کرد.

۵) حضرت در مرزبندی با دشمن صریح و قاطع بود

پس از حضور در مرو، از مهم‌ترین اقدامات حضرت، اعلام عدم همکاری سیاسی در هیچ یک از امور حکومت بود. این اقدام وقتی صورت گرفت که حضرت - در صورت عدم پذیرش منصب ولایتعهدی - تهدید به قتل شد و امام شرطی را مطرح نمود که هیچ کسی را به کاری نگماشته و عزل نکند و هیچ رسمی را بر هم نزنند. باید توجه داشت که جامعه، در تمام مدت ولایتعهدی کوچک‌ترین دخالت و همراهی حضرت در امور سیاسی را مشاهده نمود. حضرت در رابطه‌ی مواجهه با مأمون نیز هیچ ترسی به خود راه نمی‌داد و در بیشتر موارد به نوعی پاسخ او داده می‌شد که سبب ناراحتی او می‌گشت. برای نمونه وقتی در یکی از گفتگوها، مأمون تأکید نمود که حاضر است خود را عزل نموده و با امام (علیه‌السلام) به عنوان خلیفه‌ی مسلمین بیعت کند، حضرت فرمودند: «اگر این خلافت حق توست و خدا آن را برای تو قرار داده است، روانیست جامه‌ای را که خدا بر قامت تو پوشانده بیرون آوری و بر تن دیگری کنی و اگر خلافت از آن غیر توست، چگونه چیزی را که از آن تو نیست به من می‌بخشی؟»

هنگامی که مأمون در راستای نزدیک نشان دادن خود به امام (علیه‌السلام) و سوء استفاده از مقام معنوی حضرت در جهت مشروعیت خویش، اصرار و پافشاری نمود تا امامت نماز عید فطر را برعهده گیرد و به نام خلیفه‌ی شرعی خطبه بخواند، حضرت چنان که از پیش اعلام نمودند با ظاهری نامتعارف نسبت به مشی خلفا، عصایی به دست گرفته و دامن پیراهن را به کمر زدند و با پای برهنه به راه افتادند و اطرافیان امام (علیه‌السلام) نیز چنین نمودند. آن حضرت در بین راه سر به سوی آسمان بلند کرده و با صدای بلند تکبیر می‌گفتند. پس از آن همه با هم تکبیر ایشان را تکرار کردند. سربازان نیز با مشاهده حال و هیبت امام (علیه‌السلام) بی-اختیار از مرکب-ها پایین آمده، کفش-های خود را بیرون آورده و پابرنه شدند. با حضور گسترده مردم و نوع حرکت امام (علیه‌السلام)، کار به جایی رسید که به مأمون اطلاع داده شد «اگر علی بن موسی (علیه‌السلام) با این وضع به مصلی برود مردم شیفته‌ی او شده و همه‌ی ما بر خون خود بیمناک خواهیم بود؛ چرا که ممکن است مردم بر ما شوریده و خون ما را بریزند.» امام (علیه‌السلام) با دستور مأمون، کفش-های خود را پوشیده و از نیمه راه بازگشت.

آنچه گذشت تنها بخشی از نمودهای سیره‌ی تعاملی حضرت بود و در کنار روابط سیاسی، این مرزبندی با دشمن را می‌توان در مواجهه‌ی حضرت با واقفیان و یا غلات نیز مشاهده نمود. به هر ترتیب، مهم‌ترین پیامد اقدامات حضرت در راستای مرزبندی با دشمن، جلوگیری از هرگونه نفوذ آنان در جامعه‌ی شیعی بود و چنان که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل وقایع مربوط به ولایتعهدی فرمودند، نه تنها این موضوع سبب ضعف تشیع نشد، بلکه برکات بسیاری را به دنبال داشت.



دہہ ی فخر آن آئینہ می است
کہ نورشید اسلام در آن درخشید و بہ ما منعکس شد.

